

# نقش هنر و ادبیات در فرایند هویت‌یابی کودکان

## چکیده

هویت‌یابی کودکان در بسترهایی چون روان‌شناسی، فلسفه، جامعه‌شناسی و تعلیم و تربیت با به عرصه وجود نهاد و گسترش آن در گرو توسعه این بسترهاست. بدین جهت، هنگامی که روان‌شناسی موضوع بسترهای هویت‌یابی کودکان را می‌کاود، زمینه رشد و توسعه خود و نیز بسترهای دیگر را فراهم می‌آورد. در این راستا ورود موضوع هنر و ادبیات به عنوان دو واسطه مهم از موارد مرتبلی است که بسط و گسترش آن نتایج سودمندی را در خصوص دستیابی به هدف مشترک این علوم یعنی کمک به کودکان در جهت هویت‌یابی آنان دارد. در واقع، جز علمی مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، ادبیات و هنر نیز به مدد ابزار و روش‌های گوناگون و با محتوای درونی خویش پاسخگوی نیاز کودکان به درک و دریافت «من» درونی و ماهیت وجودی‌شان است، هویت بر ایند عوامل متفاوتی است که به شناخت انسان از خود و جایگاهش در محیط خانواده، مدرسه، اجتماع و ... باز می‌گردد، کیستی و چیستی و توجه به «خود» با خویشتن خویش از ابتدای خلقت با انسان همراه بوده است. ادبیات و هنر به‌ویژه شعر، داستان، نمایشنامه، نقاشی و مصادیق مختلف آن‌ها همواره در شناسایی و پاسخ‌گویی به مسئله هویت و هویت‌یابی نقش اساسی و مهمی ایفا کرده است. این مقاله با هدف دستیابی به مفهوم هویت و هویت‌یابی در کودکان و تأثیر هنر و ادبیات بر این فرایند به رشته تحریر درآمده است. با توجه به اهمیت دوران کودکی در رشد شخصیت از سویی و لزوم درک و دریافت هویت و هویت‌یابی در این دوره، از سوی دیگر، در این مقاله بر احراز شناخت نسبت به هویت‌یابی کودکان و نقش، جایگاه و تأثیر هنر و ادبیات در شکل‌گیری و انسجام هویت در کودکان تأکید می‌شود. از این رو هنر و ادبیات را می‌توان عنصری میانجی دانست که به کودک در فرایند هویت‌یابی به خوبی کمک می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** هویت، هویت‌یابی، کودکان، هنر، ادبیات

## مقدمه

انسان از اوایل کودکی خود را از دیگران متمایز می‌داند و همواره به دنبال تعریف خود به‌عنوان وجودی مستقل از دیگران است. مجموعه ویژگی‌هایی که افراد براساس آن‌ها خود را منحصر به فرد می‌دانند، در قالب مفهوم هویت قابل طرح است. هویت از خصوصیات بسیار مهمی است که فرد را از دیگران متمایز می‌سازد و از همین رو متخصصان حوزه انسان‌شناسی نیز تعاریف متفاوت و متعددی از آن ارائه کرده‌اند. هویت شیوه شناسایی «خود» توسط عوامل و متغیرهای «دیگر» است تا فرد خودش را بشناسد یا خود را به دیگری بشناساند؛ بنابراین، انسان در برابر متغیرهای متعددی مانند ارتباط با قوم، ملت، قبیله، اجتماع و یا خانواده قرار دارد که هویت او را می‌سازند (پناهی و معروفی، ۱۳۹۵: ۹۰).

کمتر مفهومی است که به اندازه هویت، دارای معانی گوناگون باشد. «هویت از اقبال چندین رشته علمی از جمله فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، تاریخ و نیز هنر و ادبیات برخوردار است. به شکلی که به نظر می‌رسد همه در این باره حرفی برای گفتن دارند»

(علیخانی، ۱۳۸۳: ۸۲-۸۱). هویت نه تنها از تباط اجتماعی را امکان‌پذیر می‌کند، بلکه به زندگی افراد معنا می‌بخشد. هویت‌یابی فرایندی برای خودشناسی است که معناسازی نیز به واسطه آن صورت می‌گیرد. هویت معنایی کلیدی است که ذهنیت افراد را شکل می‌دهد. به واسطه هویت است که مردم به دیگران می‌گویند که چه کسی هستند و مهم‌تر اینکه به خودشناسی می‌رسند. شکل‌گیری هویت در اجتماعات گوناگون و فرایند هویت‌یابی به شکل‌های متفاوتی صورت می‌گیرد. در جوامع سنتی، هویت شخصی در پناه هویت اجتماعی به صورت غیررسمی شکل می‌گرفت و مبتنی بر سوابق و ریشه‌های تاریخی گذشته بود اما در جوامع مدرن امروزی، منابع و فرایند هویت‌یابی با جوامع سنتی متفاوت‌اند. امروزه هویت در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی کشورها به‌عنوان یک حق به شیوه‌های مختلف و با نمادهای خاص شناسایی می‌شود (اسدی، ۱۳۸۷: ۲۶). بنیان‌های هویتی افراد معمولاً در کودکی شکل می‌گیرد؛ زمانی که کودکان تسلطی بر عناصر هویتی خود ندارند. هویت مفهومی متکثر و چندلایه است و به سبب همین ویژگی، در بافت‌های گوناگون جامعه و اقشار و سنین مختلف آن جلوه‌های متفاوت و تأثیرات گوناگونی دارد.

یکی از تأثیرگذارترین عناصر در هویت‌یابی کودکان، هنر و ادبیات است. هنر و ادبیات به‌عنوان شیوه‌ای از



این نیاز موجب خودآگاهی فردی می‌شود. به عبارت دیگر، هویت شامل «مجموعه‌ای از علائم، آثار مادی، زیستی، اجتماعی، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه یا اهلیتی از اهلیت دیگر و فرهنگی از فرهنگ دیگر می‌شود (همان: ۳۱۸). هویت دارای انواع مختلفی اعم از اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و ملی است و به نوعی می‌توان گفت سازه هویت دامنه گسترده‌ای از مسائل هر جامعه را در برمی‌گیرد (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۳۰).

ضرورت بحث از هویت این است که داشتن تعریفی از خود، نخستین گام نه تنها در ایفای نقش، بلکه از مقدمات انسان بودن است. انسان از ابتدای زندگی روی کره خاکی، پیوسته از کیستی و چیستی خود پرسیده است. از نظر تاریخی، هویت به معنای مجموعه عناصری از شخصیت فرد است که به وی امکان می‌دهد موضع خود را به نسبت به جهان و سایر انسان‌ها مشخص کند. هویت در ساماندهی به تعاملات افراد عنصر کلیدی است و مردم به واسطه آن به یک جامعه احساس تعلق می‌کنند و به رویدادها و تحولات محیط زندگی خویش واکنش نشان می‌دهند.

هویت یک بافت مفهومی چندبعدی و متکثر است. آنچه «من» را می‌سازد، مجموعه عوامل متعددی است. این عوامل متعدد در کنار یکدیگر هویت فرد را می‌سازند و هیچ کدام از آن‌ها به تنهایی هویت نیستند. دامنه این شاخصه‌های مختلف از ویژگی‌های شخصی چون رنگ پوست، شکل صورت، بلندی قامت و نوع آرایش و پوشش تا شاخصه‌های اجتماعی چون ملیت، قومیت، هواداری‌های حزبی یا ورزشی، مذهب و طبقه اجتماعی گسترده است. این شاخصه‌های بی‌انتهای چارچوب هویت را می‌سازند؛ ساختاری که هیچ جزئی از آن به تنهایی گویای کل نیست و فقدان هر یک از اجزای تکمیل آن را ناممکن می‌کند. این شاخصه‌های هویتی، سیال و

تحقیق از منظری متفاوت به بحث هویت کودکان می‌نگرند و در روش و محتوای ارتباط با کودکان واسطه‌ای زیبایی‌شناسانه محسوب می‌شوند. این موضوع در مسئله هویت‌یابی کودکان نیز موضوع اصلی به حساب می‌آید؛ چنان‌که سابقه تاریخی‌شان قبل از علمی مانند روان‌شناسی در ارتقای شخصیت و هویت انسان‌ها اعم از پیر و جوان، کودک و بزرگسال و زن و مرد بارها و بارها تجربه و آزمون شده است و این نکته که منشأ تمام آرزوها و تفکرات بشر در هنر و اندیشه‌های شاعرانه نهفته بوده، مؤید این مطلب است. در راستای کیندوکاو در خصوص هویت و کودکان نگارنده این مقاله می‌کوشد مبحث هویت‌یابی کودکان را از منظر هنر و ادبیات مورد واکاوی و بررسی قرار دهد.

## بحث و چارچوب مفهومی

### ۱. هویت

در لغت‌نامه دهخدا، هویت، تشخیص معنا شده که میان حکما و متکلمان مشهور است. واژه هویت (Identity) ریشه در لاتین دارد و از کلمه Idem به معنای مشابه و یکسان نشئت گرفته است (علیخانی، ۱۳۸۳: ۱۹۳). هویت به معنای چیستی و کیستی است و از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن در پیوند با چیزی یا جایی پدید می‌آید؛ نیاز وابستگی ریشه‌ای ذاتی یا غریزی در انسان دارد و برآورده شدن

هنر و ادبیات  
بمعنای  
شبهه‌ای  
از تحقیق  
از منظری  
متفاوت به  
بحث هویت  
کودکان  
می‌نگرند

متغیرند. البته تعداد و تغییر شاخصه‌های هویتی، مطلقاً بیان‌کننده ارزش‌های مساوی آن‌ها نیست. معمولاً شماری از شاخصه‌ها اهمیت بیشتری دارند و در اولویت و شماری دیگر در مراتب بعدی قرار می‌گیرند. این شاخصه‌ها در کل هویت را تشکیل می‌دهند و نمایش‌دهنده مهم‌ترین ویژگی‌های آن هستند. از این منظر هویت، مفهومی بافتی<sup>۲</sup> است و در بافت‌های گوناگون تغییراتی گسترده دارد (زرین کمر و محسنی، ۱۳۹۶: ۷۹).

## ۲. اهمیت دوران کودکی در شکل‌گیری هویت

### افراد

کودکان از سرمایه‌های ملی به شمار می‌آیند که در توسعه هر کشوری بی‌شک تأثیرگذارند و توجه به آن‌ها و هویشناسی سرمایه‌گذاری سودمندی است که نتایج قابل توجهی به همراه دارد. بحران هویت در کودکان از جمله عواملی است که مانع رشد و به ثمر نشستن این سرمایه‌های انسانی می‌شود. توجه به رشد و پرورش کودکان از اصولی است که همواره مورد توجه اندیشمندان جوامع مختلف بوده است. ژان ژاک روسو، اندیشمند مطرح جهانی، معتقد است که «شاخه نو دمیده یک درخت باید از سوی باغبان طبق اصولی بسته شود تا فرم و شکل مطلوب به خود گرفته و متناسب با هدف هویت یابد. کودکان و اطفال خردسال هم باید به همین ترتیب تحت تعلیم و تربیت قرار گیرند» (قزل ایاغ، ۱۳۸۳: ۱۰). کودکی آستانه شکل‌گیری شخصیت و هویت است و از جهت تجربی و نظری مرحله‌ای اساسی برای فرد به حساب می‌آید؛ زیرا در دوران کودکی است که فرد آرام آرام به شناخت نسبی موقعیت خود در جهان اطراف دست می‌یابد. علم روان‌شناسی این شناخت را در قالب اصطلاح «هویت‌یابی» مطالعه می‌کند که به مرور به یکی از سرفصل‌های کلان علم روان‌شناسی تبدیل شده است. اریکسون به‌عنوان اولین نظریه‌پرداز مهم هویت، آن را احساسی نسبتاً پایدار از یگانگی خود تعریف می‌کند؛ یعنی به رغم تغییر رفتارها، افکار و احساسات برداشت یک فرد از خود همواره مشابه است.

علاوه بر این، او می‌گوید: «این احساس که ما چه کسی هستیم باید با نگرشی که دیگران نسبت به ما دارند، نسبتاً همخوان باشد. این مسئله در رابطه بین فرد و جامعه اهمیت بسیار دارد» (بیابانگرد، ۱۳۸۴: ۵۹). اریکسون در سال ۱۹۸۱ م «هویت‌من» را مبتنی بر چند جنبه معرفی نمود:

**الف.** هویت پاسخی آشکار و ضمنی به این پرسش است

که من کیستم.

**ب.** هویت بر تلفیق بین گذشته و آینده جهت تقویت حس یکپارچگی دلالت دارد.

**پ.** پاسخ به سؤال هویت با ارزیابی منطقی از خود داده می‌شود. این ارزیابی با ملاحظه فرهنگ، به‌ویژه عقاید و انتظاراتی که جامعه از فرد دارد، صورت می‌گیرد.

**ت.** هویت، فرایند یکپارچه‌سازی و مورد پرسش قرار دادن پیرامون حوزه‌های اساسی به‌خصوص حرفه‌آئی، جنسیت، عقاید سیاسی و مذهبی است که در نتیجه آن تعهدی قابل انعطاف اما دیرپا در حوزه‌های یاد شده به وجود می‌آید (همان).

## ۳. عوامل مؤثر در هویت‌یابی کودک

نظریه‌پردازان با دیدگاه‌های مختلفی که دارند عوامل مهمی را در فرایند هویت‌یابی کودکان حائز اهمیت می‌دانند:

● **والدین:** نوع ارتباط والدین با کودک در چگونگی شکل‌گیری هویت آنان مؤثر است.

● **مدرسه و جامعه:** موفقیت‌های تحصیلی در طول سال‌های مدرسه و قبول شدن کودکان در آزمون‌های تحصیلی راه را برای آینده حرفه‌ای و شغلی و نیز دستیابی به هویت خویش هموار می‌سازد. مدرسه از طریق تعامل مستقیم با کودک در قالب کتاب و گفت‌وگو می‌تواند در احیای هویت فردی، اجتماعی و ملی و نیز ایجاد الگو سهم بسیار مؤثری داشته باشد.

● **مذهب:** عقاید مذهبی که معمولاً از کودکی تا نوجوانی به کودکان آموزش داده می‌شود، ظرفیت «ایمان» و «باورپذیری» در آن‌ها ایجاد می‌کند.

● **عوامل اقتصادی:** تحقیقاتی که بایرن در سال ۱۹۹۴ م انجام داد، نشان می‌دهد که شرایط بد اقتصادی در ارتباط مستقیم با کاهش مؤلفه‌های روان‌شناختی مثبت و کاهش سطوح رشد هویت بوده است.

● **عوامل شناختی:** رشد شناختی تأثیر بسیار مهمی بر شکل‌گیری هویت کودکان دارد. این نوع رشد به کمک مطالعه افزایش می‌یابد و کتاب‌خوانی و توجه به هنر و ادبیات می‌تواند در غنای آن بسیار مؤثر باشد (ر. ک شاملو، ۱۳۸۲: ۶۷ - ۵۰ و شرفی، ۱۳۸۱: ۹۹ - ۹۳). ادبیات و هنر در قالب کتاب‌های کودکان، نقش عمده‌ای در هویت‌یابی و رفع نیازها و مشکلات آنان دارد و می‌تواند با تقویت رشد شناختی کودکان سبب ارتقای هویت و شخصیت آن‌ها شود.

## ۴. هویت و هنر

از دیدگاه متفکران، نقشی مهم و گاه مقدم در تعلیم و تربیت و خردورزی کودک دارد. آن هنگام که کودک درباره خویشتن خویش فکر کند، قطعاً به‌صورت ناخودآگاه در راه جست‌وجوی ماهیت فردی و اجتماعی خویش قدم برمی‌دارد. «نسبت کودک با هنر نسبت هم‌ذاتی است. هم‌ذاتی هنر با دوران کودکی آدمی می‌تواند دربرگیرنده این مفهوم باشد که هنر در ذات خود با فطرت انسان در ارتباط است. نسبت کودک با هنر نسبتی فطری است که او را به ماهیت اصلی خویش از ناخودآگاه به خودآگاه می‌رساند»

عقاید مذهبی که معمولاً از کودکی تا نوجوانی به کودکان آموزش داده می‌شود، ظرفیت «ایمان» و «باورپذیری» در آن‌ها ایجاد می‌کند

(امین پور، ۱۳۸۵: ۱۱).

کودکان از سال‌های آغاز تولد در برابر سرود و موسیقی به هیجان می‌آیند و اغلب نسبت به آن‌ها واکنش نشان می‌دهند. تلاش کودکان در کاربرد واژه‌ها و عبارات‌های آهنگین و قافیه‌پردازی در گفتار روزمره آنان از ویژگی‌های عمده زبان در سال‌های کودکی است. کودکان از طریق نقاشی قادر به ترسیم خطوط انقاف بر روی کاغذ با دیوار می‌شوند و از مشاهده آنچه در ایجاد آن دخالت داشته‌اند، لذت می‌برند. به تدریج، نقاشی آنان از مرحله خط‌خطی کردن و رسم خطوط مبهم به سطوح بالاتری رشد می‌یابد و آگاهانه‌تر و کامل‌تر می‌شود. کودک از طریق نقاشی سخن می‌گوید؛ به بیان افکار و عقاید و عواطف خویش می‌پردازد و نیازها و تمایلات و مشکلات و محدودیت‌های زندگی‌اش را بازگو می‌کند. او از طریق هنر می‌تواند به رشد عقلانی و عاطفی دست یابد و هویت خویش را بسازد. این کار در بهداشت روانی و عاطفی او نیز بسیار مؤثر است» (میرزاییکی، ۱۳۷۶: ۳۶).

از این رو هنر را می‌توان یکی از کارآمدترین ابزار و روش‌های تربیت آدمی در عصر امروز به شمار آورد که نتایج و آثارش از ابعاد گوناگون، به‌ویژه از نظر خلاقیت و ایجاد هویت، بسیار اهمیت دارد. با توجه به اینکه هنر می‌تواند با در نظر گرفتن نیازهای عالی آدمی وی را به مراحل نهایی تکامل رهنمون سازد، ضرورت بهره‌گیری از آن به منظور ارتقای شخصیت و ایجاد خلاقیت و کمک به فرایند هویت‌یابی بیش از پیش احساس می‌شود. اهمیت هنر در شکل‌گیری و تکامل هویت فردی کودک تا اندازه‌ای است که «از مدت‌ها پیش مورد توجه روان‌کلوان و روان‌شناسان برجسته بوده و تأثیر آثار هنری را در قالب شعر، نمایش و داستان در اندیشه‌های فروید، آدلر، یونگ و ... به خوبی می‌توان مشاهده نمود» (معنوی و همکاران، ۱۳۶۳: ۲۳).

به باور روان‌شناسان، پالایش روانی ناشی از آثار هنری موجب رهاسازی هیجانات، تعدیل فشارهای روانی، ایجاد آرامش، و شکل‌گیری شخصیت و هویت فردی و اجتماعی است. نقاشی و طراحی به‌عنوان یکی از جلوه‌های مهم هنر، از عناصر اصلی در بیان مقاصد، افکار، عقاید و نیازهای درونی بشر است و از دیرباز مورد استفاده او قرار داشته است. پرداختن کودک به این کار، علاوه بر اینکه شخصیت او را رشد می‌دهد، موجب درک هویت واقعی‌اش می‌شود.

موضوع مهمی که هنر را در بحث هویت‌یابی کودکان واسط قرار می‌دهد و ضرورت آن را به‌عنوان یک نیاز محتوایی و روشی مطرح می‌کند، این است که ذهن کودک در ارتباطی عاطفی با شیوه‌ها و محتوای درونی هنر همراه و هم‌ذات می‌شود. اگر هویت‌یابی کودکان نتیجه تماس ذهن آنان و ارتباطشان با هنر باشد یا هنر در بازی کودکان تلاشی در جهت یافتن هویت و شخصیت آن‌ها باشد، آن‌گاه هنر یا هر چیز دیگر که با محتوای هنر همراه باشد، می‌تواند آن‌طور که می‌خواهد بار خویش را در بستری مناسب در راستای هویت‌یابی کودک به مقصد برساند. هویت‌یابی محصول تفکر است و تفکر در خلأ عاطفی شکوفا نمی‌شود. تفکر فعالیت است که مستلزم داشتن هدف و نیروی محرک است. ایجاد ارتباط عاطفی به واسطه هنر و تفکر حاصل از آن «نقش تعیین‌کننده‌ای در هویت‌یابی توسط کودکان دارد. هنر مجال ظهور تفکر را فراهم می‌آورد و تفکر سرچشمه اصلی هویت‌یابی است؛ از این جهت، نظریه‌های روان‌شناسی در ارتباط

با هویت‌یابی تعیین‌کننده هستند» (رشتچی، ۱۳۸۹: ۲۰).

## ۵. هویت و ادبیات

یکی از مهم‌ترین مسائل پیرامون هویت‌یابی کودکان، ادبیات است که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در نتایج پژوهش‌های روان‌شناسی داشته باشد. ادبیات و هنر به‌عنوان معارفی که با روان‌شناسی رابطه نزدیکی دارند، نقش مهمی در فرایند رشد، پرورش، شخصیت، بالندگی استعداد و یافتن ماهیت و هویت درونی کودک ایفا می‌کنند.

در طول تاریخ بشر، ادبیات همواره یکی از پرارزش‌ترین و مهم‌ترین الگوهای آموزشی و پرورشی انسان به شمار رفته است؛ بخش عظیمی از فرایند تعلیم، تربیت، شخصیت‌پذیری و هویت‌یابی کودکان به کمک هنر و ادبیات در قالب کتاب‌ها، نشریات و ... به آنان منتقل شده است. اهمیت ادبیات و هنر در شکل‌دهی به هویت انسان در دوره کودکی و تأثیر بسیار آن بر کودکان از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت بوده و در این زمینه بحث‌های زیادی صورت گرفته و نظریه‌های گوناگونی داده شده است که بعضی از آن‌ها هنوز هم از اعتبار و ارزش زیادی برخوردارند. افلاطون در کتاب «جمهوریت» معتقد است «باید پرستاران و مادران را وادار کنیم که فقط حکایاتی را که پذیرفته‌ایم برای کودکان نقل کنند و متوجه باشند که پرورشی که روح اطفال به وسیله حکایات حاصل می‌کند، به مراتب بیش از تربیتی است که جسم آن‌ها به وسیله ورزش پیدا می‌کند» (رهگذر، ۱۳۶۹: ۶۶). استاد شهید مرتضی مطهری در پاورقی کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» در خصوص کارکرد و ارزش ادبیات آورده است که «تأثیر ادبیات در روحیه و اخلاق و اوضاع زندگی بشر و در تحولات تاریخی که در اجتماع بشری رخ داده اگر بیشتر از تأثیر عقل و استدلال نباشد کمتر نیست. گاه اتفاق می‌افتد که یک شعر یا یک ضرب‌المثل که فقط ارزش شعری و ادبی دارد، پایه و روحیه ملتی را تشکیل می‌دهد. به شهادت تاریخ، غالب تحولات و انقلابات علمی و فلسفی و صنعتی که در دنیا پدید آمد، به دنبال انقلاب‌های ادبی بود. در تمدن جدید اروپا، تأثیر وجود شعرا و نویسندگان بزرگ کشورهای اروپایی کمتر از تأثیر وجود علمای طبیعی و ریاضی و فلاسفه و مخترعین و مکتشفین نبوده است.»

بنابراین، از عواملی که در ساختن و شکل دادن به هویت کودکان تأثیر بسیار مهم و بسزایی دارد، خانواده،

بخش  
عظیمی از  
فرایند  
تعلیم،  
تربیت،  
شخصیت  
پذیری و  
هویت‌یابی  
کودکان به  
کمک هنر  
و ادبیات  
در قالب  
کتاب‌ها،  
نشریات و...  
به کودکان  
منتقل شده  
است

مدرسه، اجتماع، رادیو، تلویزیون، کتاب، هنر و در مجموع ادبیات است. یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین ابزارهای مؤثر در رشد و تکامل کودک از جنبه‌های گوناگون ذهنی، عاطفی، اخلاقی و هویتی، ادبیات و هنر است.

میشل لاندیسرگ، منتقد کانادایی، درباره اهمیت ادبیات و کتاب‌های ادبی در تربیت کودک، پرورش شخصیت و ایجاد هویت فردی و اجتماعی و اجتماعی آنان می‌گوید: «ادبیات برای کودک کارهای زیادی انجام می‌دهد که بهترین آن‌ها توسعه افق‌ها و القای حسی در باره پیچیدگی زندگی و ماهیت خویش است. هیچ سرگرمی دیگری تا این حد نمی‌تواند به‌صورت همه‌جانبه ذهن کودک را با نهادها، الگوها، معانی، امکانات مدنی و خویشستن خویش و هویت اصلی‌اش آشنا سازد» (هانت، ۱۳۸۲: ۹). بنابراین، ادبیات ابزاری قوی برای انتقال اصیل‌ترین مفاهیم اطلاعاتی به‌شمار می‌رود. ادبیات و هنر دریچه‌ای است که دنیای تخیلی کودک را به دنیای واقعی پیوند می‌دهد و او را به ارزش‌های انسانی و اجتماعی خویش رهنمون می‌سازد.

## ۶. الگوی هویت‌یابی از طریق روایت داستانی و هنر

هر نوع مشارکت در روایت اعم از روایت داستان یا نمایشنامه یا حتی روایت حاصل از یک سرود، هویت‌ساز است. وقتی داستانی خوانده می‌شود و نمایشی اجرا یا دیده می‌شود، عملی هویت‌سازانه رخ داده است. هویت نوعی ادراک، ارزش‌گذاری و احساس‌یابی است. به عبارت دیگر، ادراک چیستی خود در رابطه با دیگری که با ارزش‌گذاری و احساسات همراه باشد. از این لحاظ، هویت‌سازی نوعی معناسازی است؛ یعنی هویت ذیل معنا قرار می‌گیرد. به این معنا که هویت‌سازی و معناسازی نوعی درک مشترک است و این معناسازی لاجرم یادر قالب هنر است یا ادبیات. کودک از طریق این دو به تفکر درباره خود واداشته می‌شود. کودکان از طریق خواندن روایت‌ها و یا شنیدن آن‌ها الگوهای ارزش‌گذاری و احساسی پیدا می‌کنند. حتی روایت یک داستان برایشان می‌تواند الگوی نفرت و یا دوست داشتن را در درون آن‌ها زنده و فعال سازد و از این طریق می‌توانند به این نکته دست یابند که چه چیزی برایشان ارزشمند است و چه چیزی بی‌ارزش. این ارزش‌ها را در درون خود می‌توانند ببینند و ماهیت وجودی‌شان را بفهمند. به این ترتیب، روان‌کاوی یا تکیه بر مراحل رشد روانی کودک یکی از مهم‌ترین بسترهایی است که در ادبیات و هنر به‌ویژه در بخش کودکان می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. تفسیر و تحلیل دنیای بیرون در روایت داستان

ادبیات  
برای کودک  
کارهای  
زیادی انجام  
می‌دهد  
که بهترین  
آن‌ها توسعه  
افق‌ها و  
القای حسی  
در باره  
پیچیدگی  
زندگی و  
ماهیت  
خویش  
است. هیچ  
سرگرمی  
دیگری تا  
این حد  
نمی‌تواند  
به‌صورت  
همه‌جانبه  
ذهن کودک  
را با نهادها،  
الگوها،  
معانی،  
امکانات  
مدنی و  
خویشستن  
خویش  
و هویت  
اصلی‌اش  
آشنا سازد

از طریق ادبیات و یا در انعکاس تصویر نقاشی، آهنگ و سروده یا نمایش هنری کودک را به شناخت معنایی برای (خود) (ego) وامی‌دارد و به‌صورت ناخودآگاه با سازوکار (مکانیسم)‌های روحی و روانی خویش آشنا می‌سازد. حتی نقاشی‌های کتاب‌های داستان نیز کودک به شدت بر او تأثیر می‌گذارد. «فرایند هویت‌یابی با تفکیک فرد از محیط پیرامون رخ می‌دهد. کودک با گذر از تصویر خود وارد فرایند هویت‌یابی می‌شود. چیزی که او در این مرحله انتظارش را می‌کشد، تفکیک خود به مثابه یک کل یکپارچه مجزاست که شبیه به دیگران است. او با قهرمان داستان، همزادپنداری می‌کند. پوشیدن لباس‌ها، تقلید الگوها و رفتاری‌شان سبب می‌شود تصویری آینه‌ای و بی‌نقص از خود بسازد و با جایگزین کردن خود در نقش این قهرمان خیالی، من یا (ego) اش را خلق کند» (پاک‌پور، ۱۳۸۹: ۵۷). در واقع، هویت کودک در حین تماشای تصویر و جست‌وجو در متن داستان با همزادپنداری با قهرمان داستان در حال شکل‌گیری است. هنر و ادبیات از طریق کتاب‌های داستانی نقش خود را در فرایند تربیتی کودک ایفا می‌کند. مهم‌ترین نوع کتاب و مؤثرترین آن‌ها در روح و فکر کودکان، کتاب‌های ادبی است. کودک با داستان بسیار راحت رابطه برقرار می‌کند و به آن دل می‌بندد، خود را به جای قهرمان کتاب فرض می‌کند و از شادی او شاد و از غمش غمگین می‌شود. ادبیات و هنر در قالب کتاب چنان اهمیتی در شکل‌گیری شخصیت و اعتقادات و نظام فکری و هویتی کودک دارد که می‌توان آن را در شمار بهترین ابزار هویت‌یابی به حساب آورد. ادبیات و هنر از سویی به‌عنوان معرفی که با روان‌شناسی رابطه نزدیکی دارند دارای اهمیت‌اند، از سوی دیگر ادبیات و هنرهای زیبا، بخشی از حیات معنوی و سرمایه فرهنگی هر کشور است و پرورش ادراک هنری و حساسیت‌های زیبایی‌شناختی از جمله اهداف مهم تعلیم و تربیت کودکان و نیز بازیابی هویت و ماهیت درونی فردی، اجتماعی و ملی آنان است. دستیابی به تفکر و خردورزی و تربیت و تعمق درباره خویشستن خویش «به وسیله هنر موجب رشد شم زیبایی‌شناسی می‌شود؛ آن هم پیش از آنکه بتوانند از روی خرد-لوگوس-خویشستن را ادراک کنند و یا درباره چیزها داوری کنند. برای همین، معرفت با زیبایی آغاز می‌شود و زیبایی آستانه جهان معقول است و هنر دانش دستیابی به زیبایی را در خود دارد» (پنج‌تنی، ۱۳۸۳: ۲۳). هنر و ادبیات واسطه‌ای برای ورود بزرگسالان به دنیای کودکان و برقراری ارتباط با آنان به‌صورت آگاهانه است. کودکان نیز با ابزار و وسایل گوناگون که برخی از آن‌ها ابزار و وسایل هنری (مانند نقاشی) و یا ابزار ادبی (مانند کتاب قصه) هستند، به کندوکاو می‌پردازند. هنر هر تعریفی که داشته باشد می‌تواند از جهت صورت (در اینجا روش، کالبد و ظاهر واقعی هنر مدنظر است) و محتوا در کنار ادبیات زمینه‌ساز رشد و ارتقای شخصیت کودک شود. هنر و ادبیات به سبب روش مدار بودن و محتوامداری می‌توانند در کنار روان‌شناسی به پرورش کودک و فرایند هویت‌یابی او کمک کنند.

اندیشه‌پروری و خردورزی حاصل از هنر و ادبیات سبب ایجاد تفکر فلسفی در کودک می‌شود. تفکر درباره اینکه ماهیت وجودی وی چه می‌تواند باشد و من درونی‌اش کیست، یکی از مزایای هنر و ادبیات در خصوص بحث هویت‌یابی است. البته باید به این سؤال پاسخ دهیم که روایات داستانی یا نمایشی هنری چگونه هویت‌سازند. پاسخ به این پرسش در گرو پاسخ به پرسش کلی‌تری است که هویت چگونه ساخته می‌شود. گفتیم که هویت نوعی ادراک یا خودادراکی است که محصول زندگی

فردی و اجتماعی ماست. اما هویت چگونه ساخته می‌شود. «هویت از طریق معناسازی ساخته می‌شود و معناسازی هم یعنی بازنمایی زبانی یا تولید و انتشار نشانه از طریق بازنمایی زبانی. ما مجموعه‌ای از نشانه‌ها را تولید و منتشر می‌کنیم و نشانه هم یعنی هر چیز قابل دیدن و یا شنیدن که ادراک ذهنی افراد را بازنمایی کند. به بیانی دیگر در جریان معناسازی، ادراکات ذهنی فرد به واسطه زبان بازنمایی می‌شود تا دیگران هم آن را دریافت کنند. پس هویت‌سازی نوعی معناسازی است که در جریان آن درک افراد از کیستی خود و دیگران به واسطه‌هایی از جمله زبان بازنمایی می‌شود» (گل محمدی، ۱۳۹۵: ۶). به عبارتی، زبان در همه اشکال آن اعم از شعر، داستان، سرود، قصه و یا موسیقی و نمایش، صرفاً توصیف، تبیین یا بازنمایی نمی‌کند که «ما که هستیم» بلکه در اینکه ما چگونه خودمان می‌شویم نیز نقش بازی می‌کند. این خودها از طریق زبان ساخته می‌شوند و زبان برساننده است نه صرفاً باز نمایاننده؛ پس از طریق یک متن یا یک هنر نمایشی یا نقاشی و ... ما ممکن است درک کنیم چگونه خودمان را بیان کنیم. اگر هویت در عرصه زبان و زیبایی‌شناسی هنری بازنمایی می‌شود، روایت یا داستان و شعر هم نوعی بازنمایی زبانی است که می‌توان آن را از مهم‌ترین عرصه‌های هویت‌سازی به شمار آورد؛ این مهم به این شیوه انجام می‌شود که داستان‌ها الگوهایی برای هویت‌ها می‌سازند. با ساختن شخصیت داستانی یا نمایشی یا تصویر و نقاشی از آن در واقع چنین القا می‌شود که هویت‌یابی حقیقی و واقعی دارند، روایت‌های داستانی و هنری از این طریق مجموعه الگوهایی برای هویت می‌سازند و به گونه‌ای وانمود می‌کنند که چنین هویت‌هایی وجود دارند. ادبیات و هنر با تمام نمودها و مصداق‌هایشان نه تنها هویت‌های مختلف را می‌سازند بلکه آن‌ها را در سلسله مراتبی از معیارهای هنجاری قرار می‌دهند؛ یعنی هم هویت‌سازند و هم هویت را ارزیابی می‌کنند. در این چارچوب برخی هویت‌ها عادی، طبیعی، اصلی، مهم، ارزشمند و درست وانمود می‌شوند و برخی هویت‌های دیگر هم ناپهنجار و نادرست. کودک آن هنگام که در روایتی ادبی یا هنری اعم از شنیداری، دیداری و ... مشارکت می‌کند، عمل هویت‌سازانه انجام می‌دهد. یعنی هنگامی که می‌بینیم، می‌شنویم و می‌خوانیم در واقع نوعی هویت‌سازی می‌کنیم؛ هر چند این فرایند چندان هم آگاهانه نباشد. «اگر مشارکت در روایت دربردارنده ادراک، ارزش‌گذاری و احساس‌یابی باشد، در واقع هویت‌سازی را هم در برمی‌گیرد؛ زیرا هویت چیزی جز ادراک همراه با ارزش‌گذاری و احساس‌یابی نیست. روایت این امکان را برای مشارکت‌کنندگان فراهم می‌کند که تجربه شخصیت‌های داستان را از آن خود سازند» (همان: ۸).

## نتیجه‌گیری

ادبیات و هنر از دو جنبه می‌توانند در فرایند هویت‌یابی کودکان تأثیرگذار باشد: نخست از طریق مجراهای آموزشی رسمی و دیگر آموزش غیررسمی. آموزش رسمی در ایران از دیستان شروع و تا دانشگاه ادامه می‌یابد. آموزش غیررسمی آن است که نهاد یا سازمان خاصی عهده‌دار آن نیست و در واقع تمامی آموخته‌هایی را که شخص در طول زندگی جدا از روش‌های آموزش رسمی از طریق مطالعه کتاب یا سایر روش‌ها به دست می‌آورد، شامل می‌شود. در این آموزش غیررسمی هیچ‌گونه اجبار و

محدودیتی، نظیر آنچه در آموزش رسمی وجود دارد، به چشم نمی‌خورد. از این‌رو، انعکاس هنر و ادبیات به کودکان از طرق گوناگون در فرایند هویت‌یابی آنان دخیل است. این موضوع که انسان از اوایل کودکی خود را از دیگران متمایز می‌داند و همواره به دنبال تعریف خود به‌عنوان وجودی مستقل از دیگران است، مسئله‌ای است که همه انسان‌ها آن را تجربه کرده‌اند و مجموعه ویژگی‌هایی که باعث می‌شود افراد خود را منحصر به فرد بدانند، در قالب مفهوم هویت قابل طرح است. هویت از خصوصیات بسیار مهمی است که عمل‌تمایز فرد از دیگران است. از این‌رو متخصصان حوزه انسان‌شناسی، روان‌شناسی، هنر و ادبیات آن را به‌انحاء گوناگون مورد توجه قرار داده‌اند تا فرد بتواند خود را بشناسد یا خود را به دیگری بشناساند. اهمیت یافتن الگوهای ارزشی از طریق ادبیات و هنر نکته‌ای است که در هویت‌سازی به کودکان کمک می‌کند. کودکان از طریق خواندن یا شنیدن یک روایت داستانی یا شعر و نقاشی، الگوهای ارزش‌گذاری شده و احساسی پیدا می‌کنند. روایت ادبی یا هنر می‌تواند در قالب کلیشه، احساسات کودک را به صفت یا ویژگی درونی خود به کمک همزادپنداری با قهرمان داستان با تصویری که می‌بیند و موسیقی‌ای که می‌شنود، هویدا کند و از این طریق بفهمد که ماهیت درونی‌اش چیست.

## پی‌نوشت‌ها

1. ego
2. contextual

## منابع

۱. امین پور، قیصر. (۱۳۸۵). شعر و کودکی. تهران: مروارید.
۲. بیاتگر، اسماعیل. (۱۳۸۴). روان‌شناسی نوجوانان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. پنج‌تنی، منیر. (۱۳۸۸). زیبایی و فلسفه هنر. تهران: فرهنگستان هنر.
۴. حسینی‌نژاد، حسین. (۱۳۷۹). انقلاب اسلامی در آینه داستان‌های کودکان و نوجوانان. تهران: آفتاب.
۵. حسینی، عادل. (۱۳۹۴). تحلیل هویت‌یابی کودکان. تهران: دارین.
۶. رجایی، فرهنگ. (۱۳۸۵). مشکل هویت ایرانیان امروز. تهران: نی.
۷. ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی ارتباطات. چاپ دوم. تهران: اطلاعات.
۸. شاملو، سعید. (۱۳۸۲). مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت. تهران: رشد.
۹. شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۱). جوان و بحران هویت. تهران: انتشارات سروش.
۱۰. عبادیان، محمود. (۱۳۸۹). هویت در مناسبت با هنر، پدیدارشناسی هنر و جهانی شدن. تهران: مطالعات فرهنگی.
۱۱. علیخانی، علی‌اکبر. (۱۳۸۳). مجموعه مقالات هویت در ایران. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
۱۲. اسدی، لیلاسادات. (۱۳۸۷). حق کودک بر هویت، مجله هفته و حقوق خانواده. شماره ۴۹. صص ۳۲ - ۲۰.
۱۳. پاک‌پور، مانیا. (۱۳۸۹). هویت‌بخشی و قهرمان‌پروری در ادبیات کودک و نوجوان. کتاب ماه کودک و نوجوان. شماره ۱۵۹. صص ۵۸ - ۵۵.
۱۴. پیرخ، مه‌ری. (۱۳۸۲). نقش ادبیات کودکان و نوجوانان در پاسخ‌گویی به نیازهای آنان. کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوره ششم. شماره ۳. صص ۳۶ - ۲۳.
۱۵. پناهی، صادق و معرووفی، یحیی. (۱۳۹۵). جایگاه مؤلفه‌های هویت فرهنگی در کتاب‌های ادبیات فارسی. پژوهشی در برنامه‌ریزی درسی. سال سیزدهم. دوره دوم. شماره ۲۳. صص ۱۰۱ - ۸۹.

اگر مشارکت در روایت دربردارنده ادراک، ارزش‌گذاری و احساس‌یابی باشد، در واقع هویت‌سازی را هم در برمی‌گیرد؛ زیرا هویت چیزی جز ادراک همراه با ارزش‌گذاری و احساس‌یابی نیست. روایت این امکان را برای مشارکت‌کنندگان فراهم می‌کند که تجربه شخصیت‌های داستان را از آن خود سازند